

فاصله‌ی ما تا انسانیت

مهسا مولائیان

۹۰/۱۱/۲۵

زمستان نود

«به امید خداوند بزرگ، که بتوانم این اثر را به یادگار در میان انسان‌هایی بعد از خود
بر جای گذارم که یادشان نرود، دنیا با آنان چه خواهد کرد...»

سرشناسه	مولانین، مهذب، ۳۶۶-
عنوان و نام پدیدارآور	فاضله‌ی مائانسانیت / مهذب مولانین .
مشخصات نشر	تهران: ترسیمگران نور، ۱۳۹۲-
مشخصات ظاهری	۱۶۲ص
شابک	۹۷۸-۹۶۴-۷۱۳۹-۰۲-۱
وضعیت فهرست نویسی	فیب
موضوع	هستی شناسی -- مسائل متفرقه
موضوع	زندگی
موضوع	حدا و حد
موضوع	زندگی اجتماعی
پند و اندرز	۱۳۹۲ تا ۱۳۳۷ ب.ش
رده بندی دیویی	۱۱۷/۱
شماره ثبت کتاب	۳۱۱۷۵۵۲

مؤلف: مولانین
نام کتاب: فاضله مائانسانیت
لینتوگرافی: ترام بهج
چاپ: معرفت
صحافی: معرفت
نوبت چاپ: اول / سال ۱۳۹۳
قیمت: ۱۲۰۰۰۰ ریال
تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

انتشارات ترسیمگران

آدرس: تهران، خیابان شریعتی، روبروی خیابان بهار شیراز، خیابان ۶۷
تلفن: ۷۷۶۲۶۳۳۸-۹ وکس ۷۷۶۲۵۸۶۲

«به نام آن که پروانه حیران اوست...»

من این کتاب را به عزیزانم تقدیم می‌کنم و با نام بردن از تک تک آنان، احساس و عشق درونی‌ام را با قلم ناچیزم به آنان هدیه می‌دهم.

امیدم بر آن است که از من پذیرا باشند.

«با ساس فراوان از خداوندی که در جهان آفرینش من، این قدرت احساس را کاست، تا بتوانم با رقصاندن قلم بر کاغذ، خود را ثبت نمایم.

خداوندی که همیشه مرا نگاه کرده و بر من لبخند می‌زند.»

مدتی به:

مادر عزیزم، که در لحظه لحظه‌های زندگانی، هر چند کوتاهم، با من هم سفر شد، با خنده‌ها، غم‌ها، گریه‌هایم، گریست!

و همیشه ندانم غم داشتن را بر من یادآور شد.

پدر مهربانم که همیشه مرا زندگانی حامی و ناجی من بود و از من هیچ دریغ نکرد.

خواهر دوست‌داشتنی، که در سختی‌ها و بحران‌ها در کنارم نبود، اما همیشه از

دور مرا نگاه می‌کرد، و آرام بران را به من تلقین می‌داد.

فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۱
فصل اول: خلقت آفرینش.....	۳
فصل دوم: انسان و پرستش.....	۹
فصل سوم: ادیان	۱۳
فصل چهارم: انسان حیوان ناطق است.....	۲۳
فصل پنجم: ایمان و اعتقاد.....	۲۷
فصل ششم: احساسات.....	۳۱
۱-۶-۱.....	۳۱
۲-۶-۲.....	۳۶
۳-۶-۳.....	۴۱
۴-۶-۴.....	۴۴
۵-۶-۵.....	۴۷
۶-۶-۶.....	۵۰
۷-۶-۷.....	۵۳
فصل هفتم: جامعه	۵۹
۱-۷-۱ ورود تکنولوژی بر زندگی اجتماع انسان و درگیری انسان با آن.....	۶۱
۲-۷-۲ تحصیلات، شغل، حرفه، تخصص.....	۶۷
۳-۷-۳ سنت، مذهب، ازدواج.....	۷۳
فصل هشتم: فرزندان.....	۸۱
فصل نهم: زیر پوست جامعه.....	۸۵
۱-۹-۱ تجربه.....	۸۵
۲-۹-۲ شانس.....	۸۹
۳-۹-۳ سحر و جادو.....	۹۳
۴-۹-۴ پول - مادی گرایی.....	۹۸
۵-۹-۵ فقر و تضاد طبقاتی.....	۱۰۱
فصل دهم: زندگی.....	۱۰۷

به زبان آن که پروانه حیران اوست»

این کتاب نتوانست به «ها پناه بردن در سکوت و تنهایی من است».

آن زمان که از تمام زمینیان بریده بودم و در زمین، تنهایی و بی کسی را تجربه می کردم و صدای شکستن شیشه ها به گوش هیچ کس نمی رسید، این معجزه در زندگانی ام به وقوع پیوست.

من، این کتاب را تو ششم تمام تمام یادهای سکوت و آوارانه ام، به دنیا نشان دهم هنوز هم هستند در لابه لای این گردن خاکی، عروسک هایی که «عشق» را می شناسند و قلب هایشان آن را لمس کرده است.

در زمینی که پر است از نفرت و کینه و بدی، در میان تمام سیاهی ها می توان به سپیدی رسید. حتی اگر به اندازه ی قطره ای باشد در میان ریای طوفانی ناامیدی ها! و من به این قطره رسیدم.

در میان تمام شکستن ها و له شدن هایم، به این قطره رسیدم. این جا زمین است و من نیز یک زمینی که در لابه لای میان ها عروسک خاکی گم گشته ام. اما من توانستم از من، به خود برسم. از من به خود رسیدم. تو هم می توانی. از میان تمام سیاهی ها خدای دلم را پیدا کردم و با یاری و نگاه او، یک دوباره ایستادن را آموختم.

این کتاب سپیدی ها و سیاهی های این زمین خاکی را به تصویر کشیده و از عروسک هایی نام برده که گاهی از اصل وجودی خویش فاصله می گیرند و خداوند را از یاد می برند.

اما تا بوده، تقابل بین خوبی و بدی، پاکی و ناپاکی بوده و تضاد طبقاتی ها که

شکاف بین فقیر و غنی را بیشتر و بیشتر کرده‌اند.

من فقط یک جامعه را که در آن زندگی می‌کنم از میان هزاران هزار جوامع انتخاب کردم تا تفاوت‌ها و روند تکامل اجتماعی را نمایان سازم.

دنیایی که پر است از تکنولوژی و عصری که عصر ارتباطات نام گذارش کرده‌اند. و ما انسان‌ها که در لابه‌لای این فناوری‌ها گم شده‌ایم و از روح خداگونه‌ی خویش فاصله گرفته‌ایم.

این کتاب همچون یک گشت چند روزه در دنیای انسان‌هاست. بیاید با هم زندگی بر زمین را در یک نگاه ارتباطاتی - فلسفی کمی به نقد بکشیم.

«فاصله ما تا انسانیت» کتابی است که زندگی زمینی را با تمام رنگ‌هایش تشریح می‌کند.

کتابی که هر حاشیه‌روی را با خود می‌آورد و به مشام ما می‌رساند و تأکید بر قانون انسانیت دارد. قانونی که اگر هر کس بتواند آن را به اجرا گذارد، زمین همچون بهشت برین خواهد شد.

با امید بر این که روزی زمین سبزی و بارش را به چون افلاک، پر از عشق باشد و عشق. و انسان‌ها به روح خداگونه‌ی خویش بازمی‌گردند.

«آمین»